



یا الله، من از خشم و غضبت به خشنودی و رضایت و از کيفر و مجازات به عفو و بخشش پناه می برم و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم. مرا توان و یارای آن نیست که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات پردازم، تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای.

از عایشه رضی الله عنها روایت است که می گوید: شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم را کنار خود نیافتم؛ پس اطرافم را بررسی کردم؛ دیدم که در حالت رکوع - یا سجده - می گوید: «سُبْحَانَكَ وَيَحْمَدُكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». و در روایتی آمده است: دستم به کف پاهایش خورد؛ درحالی که به سجده رفته و می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَمِعَاقَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ تَفْسِيكَ». «یا الله، من از خشم و غضبت به خشنودی و رضایت و از کيفر و مجازات به عفو و بخشش پناه می برم و از گرفت و مؤاخذه ات به تو پناه می آورم. مرا توان و یارای آن نیست که به بیان ثنا و توصیف شایسته و وصف و شکوه بایسته ات پردازم، تو چنان هستی که خودت را ستایش نموده ای».

[صحیح است] [به روایت مسلم]

در این حدیث عایشه رضی الله عنها خبر می دهد که شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم را در کنار خود و در بستر نیافته است؛ بنابراین به جستجوی ایشان پرداخته و گمان می کرده نزد یکی از همسرانش رفته است؛ اما رسول الله صلی الله علیه وسلم را در حال رکوع یا سجده می یابد که می گوید: «سُبْحَانَكَ وَيَحْمَدُكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»؛ یعنی یا الله، تو را از هر آنچه شایسته ی تو نیست، پاک و منزّه می دانم و تو را در برابر همه ی افعال ستایش می گویم؛ تو شایسته ی حمد و ستایش مطلق هستی، معبود بر حقی جز تو نیست. و در روایتی آمده است: زمانی که عایشه رضی الله عنها در جستجوی ایشان بود، دستش به کف پای رسول الله صلی الله علیه وسلم خورد؛ چون نور و چراغی نبوده که به کمک آن ایشان را ببیند، بلکه اطراف را با دست لمس می کرده که دستش درحالی با ایشان تماس پیدا کرده که در سجده بوده است. وقتی عایشه رضی الله عنها رسول الله صلی الله علیه وسلم را در سجده می یابد، از ایشان می شنود که می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ»؛ یعنی از خشم و غضب به رضایت و خرسندی پناه می جویم. چون هر چیزی با متضاد آن درمان می شود؛ و متضاد خشم، رضایت می باشد، بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم از خشم و غضب الهی به رضایت او پناه می برد. «وَمِعَاقَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ»؛ و از عقوبت و مجازات تو به عفو و بخشش پناه می آورم. «وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ»؛ یعنی از الله به الله عزوجل پناه می برد. چون راه نجات و پناهی از الله جز به سوی او نیست؛ و هیچکس جز الله، انسان را از عذاب الله نجات نمی دهد. «لَا أَحْصِي ثَنَاءً عَلَيْكَ»؛ یعنی هرچند در حمد و ستایش تو مبالغه کنم، باز هم نمی توانم چنانکه باید و چنانکه شایسته ی توست، ستایشت را بگویم. بلکه من از این ناتوانم که ستایشم برای تو به اندازه ی استحقاق تو باشد. «أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ تَفْسِيكَ»؛ یعنی تو را چنان ستایش می کنم که خود را ستایش نموده ای؛ چون برای هیچکس این امکان نیست که الله متعال را چنان ستایش کند که خود خویشتن را ستایش نموده است.



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

